



سازمان حفاظ محیط زیست برنامه مدیریت اکوتوریسم را تدوین می کند

جزایر؛ خط قرمز گردشگری دریاچه ارومیه

گفت و گو

زهرآ کَشوری / دبیر گروه زیست بوم- معاون محیط طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی می گوید که «وظیفه ذاتی این اداره کل توسعه گردشگری نیست، اما در این استان گردشگر با نام دریاچه ارومیه عجین شده است؛ واقعیتی که نشان می دهد چه بخوایم و چه نخواهیم، باید برای کنترل و هدایت این جریان برنامه ریزی شود.» وقوع رخداد های تلخی چون تخریب و برداشتن قطعات کشتی به گل نشسته در بستر دریاچه به دست افراد و گردشگران، این سازمان را بیش از پیش به این نتیجه رساند که باید ساماندهی گردشگری را جدی بگیرد و به سمت تدوین طرح جامع اکوتوریسم برود. حال این پرسش مطرح است که آیا این برنامه می تواند گردشگری در آذربایجان غربی، به ویژه دریاچه ارومیه را در مسیری پایدار قرار دهد تا به تقابل با محیط زیست و تخریب پارک ملی منجر نشود؟ این موضوع بهانه گفت وگویی روزنامه ایران با علیرضا قریشی است.

مراجعه می کند، با گردشگری بدون برنامه ای مواجه می شویم؛ همان اتفاقی که امسال در پهنه ای تحت عنوان «ساحل آرامش» برای لنج های دهه ۸۰ رخ داد. ما به عنوان متولی مدیریت پارک ملی، باید با دستگاه های دیگر تعامل کنیم و قوانین مربوط به پارک ملی و قانون حفاظت از تالاب های کشور را در نظر بگیریم. محیط زیست به گردشگری مسئولانه احترام می گذارد و معتقد است مناطق تحت مدیریت باید بهره برداری خردمندانه داشته باشند. الزامات حقوقی این حوزه باید برای وزارت میراث فرهنگی و دیگر دستگاه های متقاضی شفاف شود. یکی از برنامه های ما در حوزه اکوتوریسم،

«حفاظت» است؛ یعنی ما به عنوان اداره کل حفاظت محیط زیست، مسئول حفاظت از این ذخیره گاه ارزشمند هستیم. اما واقعیت های میدان، بحث گردشگری را پیش می کشد. ما از دهه ۲۰ خورشیدی کشتیرانی را در دریاچه ارومیه داشتیم، پیش از آنکه پارک ملی شود. گردشگری محلی نیز تا دهه های ۷۰ و ۸۰، که دریاچه شرایط طبیعی داشت، جریان داشت. اما مدیریت گردشگری در این منطقه با اقتضات واقعی جامعه و قوانین باید به روزرسانی شود. قبلا گردشگری تنها به سواحل دریاچه محدود بود، اما اکنون جاده ای از وسط پارک ملی می گذرد و فضایی ایجاد شده که وقتی گردشگر به آن

وضعیت دریاچه ارومیه تغییر کرده است؛ ساحل ها عقب نشینی کرده، تراز آب پایین تر آمده و دسترسی به جزایر آسان تر شده است. با توجه به تقاضای روزافزون گردشگران برای بازدید از منطقه، برنامه سازمان حفاظت محیط زیست برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و جزایر چیست؟ دریاچه ارومیه عالی ترین درجه حفاظتی مناطق تحت مدیریت در کشور را دارد. این مجموعه پارک ملی اقتضات قانونی خاص خود را داراست و عناوین بین المللی متعددی، از «رامسر سایت» گرفته تا ذخیره گاه یونسکو را به خود اختصاص داده است. قوانین موضوعه ما در پارک ملی،



با توجه به کاهش وسعت دریاچه، عمق آب و اهمیت گونه های جانوری، چه تضمینی برای عدم ورود به جزایر وجود دارد؟ پهنه دریاچه ارومیه دارای اداره پارک ملی مستقل زیر نظر اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی است. پاسگاه ها و گشت های دریایی ما فعال هستند و افرادی که قایق رانی می کنند، از سوی جامعه محلی و نیز بر پایه ضوابط توجیه شده اند و اجازه ورود محیطبانان ما به صورت ۲۴ ساعته در پاسگاه های جزایر مستقر هستند و نظارت می کنند. علاوه بر این، جزایر به صورت آنلاین و هوشمند پایش می شوند و توسعه این پایش آنلاین جزو برنامه های ماست. خوشبختانه تاکنون جزایر دچار مشکلی در این زمینه نشده اند.

دهه ۷۰ کشتیرانی وسیعی وجود داشت و الان نیز قایق های محدود فراتر از مناطق تعیین شده نمی روند. پارکیانان ما در پارک ملی نظارت می کنند و به هیچ کس اجازه ورود به جزایر داده نمی شود.

آیا در این برنامه، بازدید از جزایر نیز پیش بینی شده است؟ باید بررسی کنیم آیا می توانیم چنین اجازه ای بدهیم یا خیر. تا امروز، تنها ۷۰ دسترسی محدودی به جزیره کیودان وجود داشت و سایر جزایر فاقد دسترسی بودند. جزایر، خط قرمز ما در زون بندی و حساسیت های تنوع زیستی به خاطر حیات جانوری هستند و سازمان باید به این جمع بندی برسد که آیا بدون شکسته شدن خط حفاظتی، مدیریت آن امکان پذیر است یا خیر.

اول سازمان اعمال خواهد شد، اما تلاش می کنیم گردشگری را در حوضه آبریز به عنوان معیشت جایگزین توسعه دهیم تا فشار از روی کشاورزی برداشته شده و حبابه بیشتری وارد دریاچه شود.

قایق ها و کشتی ها تا چه مساحتی اجازه تردد در دریاچه را خواهند داشت؟ و آیا گردشگری می تواند جایگزین معیشت کشاورزان شود؟ گردشگری بر اساس برنامه مدیریت اکوسیستمی دریاچه ارومیه به درستی تعریف شود، با توجه به پتانسیل بالای پهنه آبی ۵۷۰۰ کیلومتری دریاچه، حتماً می تواند به عنوان معیشت جایگزین در حوضه آبریز کمک کننده باشد. در خصوص محدوده تردد، قایق ها در جاهای مشخصی حرکت می کنند؛ در

تأمین هزینه پايوین ایران و تخفیف ۵۰ درصدی بلیت هواپیما، زمینه مشارکت فعالان گردشگری را در نمایشگاه پکن فراهم کرد

حمایت دولت از بخش خصوصی برای جذب گردشگران چینی

ایران تأکید کرد: «پرواز مستقیم میان ایران و چین همچنان برقرار است و کاهش حضور گردشگران چینی در ایران ضرورت حفظ ارتباط فعالان گردشگری ایران با بازار آن کشور را از بین نمی برد.» به باور او، چین یکی از بزرگ ترین بازارهای گردشگریست جهان است و ایران باید حتی در شرایط کنونی در حافظه این مهم ترین بازار گردشگری جهان باقی بماند. او هشدار داد: «قطع ارتباط با بازار چین می تواند تلاش های پیشین برای معرفی ایران و ایجاد ارتباط با فعالان گردشگری این کشور را تضعیف کند.» شجاعی گفت دولت هزینه تأمین فضای نمایشگاهی و ساخت پایوین ایران در چین را برعهده گرفت و شرکت های خصوصی حاضر هزینه بلیت هواپیما، اقامت و غذا را پرداخت کردند. همچنین با هواپیمایی ماهان برای اختصاص «تخفیف» ۵۰ درصدی بلیت در اختیار گردشگری چین اعلام کرد: «حضور در این نمایشگاه با درخواست بخش خصوصی انجام شد و دولت با تأمین هزینه های ساخت پایوین و تخفیف ۵۰ درصدی بلیت هواپیما از مشارکت شرکت های گردشگری ایران در این نمایشگاه حمایت کرد.» سفرهای خروجی چین در سال ۲۰۲۴ به حدود ۱۴۵.۹ میلیون سفر رسید و هزینه کرد بین المللی گردشگران چینی به ۲۵۱ میلیارد دلار بالغ شد تا این کشور بزرگ ترین بازار مبدأ گردشگری جهان باقی بماند. نمایشگاه COITM پکن از ۱۴ تا ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ را برپا می کند تا ۲۴ مهرماه ۱۴۰۵ به حضور بیش از ۳۰ کشور برگزار شود. شجاعی گفت در آن به معنای جا ماندن می بود.

پرواز تهران-پکن برقرار است

شجاعی با اشاره به تأثیر هشدارهای سفر از سوی کشورهای غربی درباره کشورهای منطقه از جمله ایران، بر تمایل گردشگران چینی برای بازدید از

صرفاً مخاطب برنامه های معرفی میراث باشند. گروه های محلی و کسانی که سنت ها و تجربه های فرهنگی را در زندگی روزمره حفظ کرده اند، در انتقال و بازتفسیر این میراث نقش دارند. هرچه این ارتباط زنده تر باشد، میراث از موضوعی محدود به نهادهای تخصصی فاصله می گیرد و بیشتر در زندگی جامعه حضور پیدا می کند.

از بازگشت به روال گذشته تا تعادلی جدید

جنگ و دیگر بحران ها، آسیب پذیری میراث فرهنگی و دشواری تداوم فعالیت های مرتبط با آن را آشکارتر می کند. در چنین شرایطی، حفاظت از آثار، تأمین امنیت و بازگرداندن فعالیت های متوقف شده به جریان عادی، اولویت هایی ضروری اند. با این حال، اگر پس از بحران صرفاً به همان روال پیشین بازگردیم، فرصت اصلاح کاستی های گذشته را از دست داده ایم. بازگشت فعالیت ها به وضعیت عادی، لزوماً به معنای حل مسائل بنیادی نیست. آنچه ضرورت دارد، حرکت به سوی تعادلی جدید است: تعادلی که در آن حفاظت از آثار و پیوند دادن آنها با حافظه جمعی و هویت ملی، دو مسیر جداگانه نباشند. این تغییر به معنای کنار گذاشتن شیوه های پیشین نیست، بلکه به معنای تکمیل آنهاست. در کنار مرمت و ثبت آثار، باید برای کیفیت معرفی میراث، ارتباط آن با جامعه و نقش آن در انتقال تجربه تاریخی نیز برنامه داشت و نتیجه این اقدامات را سنجید. میراث فرهنگی زمانی می تواند ظرفیت منظر، بازگشت به فعالیت های گذشته ضروری است، اما راه نجات میراث فرهنگی به تکرار همان فعالیت ها محدود نمی شود. آنچه باید تغییر کند، نگاه به میراث و جایگاه آن در سیاست گذاری فرهنگی کشور است: میراث نه فقط چیزی برای حفظ کردن، بلکه بخشی از تجربه تاریخی و زندگی امروز جامعه است.

حفاظت از آثار، بدون پیوند با زندگی جامعه کافی نیست

حفاظت علمی و اصولی، شرط تداوم میراث فرهنگی است؛ اما تداوم میراث فقط به بقای مادی آثار وابسته نیست. میراث بخشی از تجربه تاریخی جامعه است؛ تجربه ای که در بناها، محوطه ها، سنت ها و شیوه های زندگی باقی مانده و در طول زمان معناهای تازه ای پیدا می کند.

ارتباط دادن این میراث با جامعه امروز، به معنای تغییر تاریخ یا تحمیل برداشتی از پیش تعیین شده نیست. هدف آن است که روشن شود این آثار چه چیزی درباره تجربه تاریخی ایرانیان می گویند و چرا ساخت آنها برای فهم وضعیت امروز و آینده کشور اهمیت دارد.

در این میان، روایت پردازی نقشی اساسی دارد. یک اثر تاریخی فقط مجموعه ای از ویژگی های معماری یا اطلاعات مربوط به دوره ساخت نیست؛ اهمیت آن با رویدادها، تجربه های جمعی و معناهایی نیز پیوند دارد که در طول زمان شکل گرفته اند. اگر این نسبت برای جامعه توضیح داده نشود، معرفی میراث به ارائه اطلاعات محدود می ماند و ظرفیت آن برای تقویت حافظه جمعی و هویت ملی به درستی به کار گرفته نمی شود.

ضرورت هماهنگی

در سیاست گذاری میراث معنادار شدن میراث فرهنگی، وظیفه یک دستگاه به تنهایی نیست. آموزش و پرورش، دانشگاه ها، رسانه ها، مدیریت شهری و نهادهای فرهنگی، هر کدام در شناخت حافظه جمعی و هویت ملی به درستی به کار گرفته نمی شوند. تعدد بازیگران نباید به پراکندگی مسئولیت منجر شود. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می تواند با تکیه بر مسئولیت تخصصی خود، هماهنگی میان این بخش ها را تقویت کند و حفاظت از آثار را به برنامه ای گسترده تر برای معرفی و فهم میراث پیوند بزند. در چنین رویکردی، مشارکت جامعه نیز اهمیت پیدا می کند. مردم نباید



معنادار شدن میراث فرهنگی، وظیفه یک دستگاه به تنهایی نیست. آموزش و پرورش، دانشگاه ها، رسانه ها، مدیریت شهری و نهادهای فرهنگی، هر کدام در شناخت عمومی از میراث سهم دارند



چرا میراث گذشته در زندگی امروز ما جایی ندارد؟

بناها مانده اند؛ معناها رفته اند

هویت ملی نقش مؤثری پیدا کرده است. مسأله اصلی، فاصله میان حفاظت از میراث و معنایی است که در زندگی جامعه پیدا می کند. میراث زمانی حضور مؤثری دارد که مردم بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، اهمیتش را بفهمند و نسبتی میان آن و تجربه امروز خود بیابند. در غیر این صورت، ممکن است آثار باقی بمانند، اما معنای آنها در زندگی عمومی کمرنگ شود.

عملکرد میراث فرهنگی را چگونه باید سنجید؟

شاخص های کمی برای ارزیابی عملکرد دستگاه های مسئول ضروری اند، اما برای شناخت نتیجه سیاست ها کافی نیستند. برای نمونه، در سال دوم اجرای برنامه هفتم پیشرفت، تعداد موزه های فعال کشور به ۸۸۴ موزه در برابر هدف ۹۰۰ موزه رسید؛ یعنی

پاییز پرور

با آغاز فصل پاییز و شروع دوره گاوپانگی مرال ها در منطقه حفاظت شده پرور سنگسر، تدابیر نظارتی و حفاظتی برای صیانت از این گونه ارزشمند حیات وحش تشدید شده است. در این دوره که مرال ها برای جفت گیری و تعیین قلمرو با آوای ویژه خود در کوهستان حضور دارند، احتمال فعالیت شکارچیان غیرمجاز افزایش می یابد و محیط بانان با افزایش گشت زنی و مراقبت از زیستگاه، برای حفاظت از این گونه و تأمین آرامش حیات وحش منطقه تلاش می کنند.



معبد «آناهیتا»، پرستشگاه باستانی فرشته آب

پرستشگاه آناهیتا همچون بناهایی که بر بلندی ساخته شده اند از شیوه سکوسازی (صفه سازی) متأثر است که در ایران باب بوده. در دوره های پسین نیز بناهای مهم پرستشگاهی و برخی بناهای حکومتی روی سکو بنا می شده اند. بر فراز این اثر تاریخی ردیفی از ستون های سنگی برپا بوده که ارتفاع هر ستون ۵.۴۲ متر است. این بنا بر سر راه تاریخی هگمتانه تیسفون قرار گرفته است. این اثر در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۳۱ به عنوان یکی از نخستین آثار ملی ایران و در سال ۱۳۸۵ نیز در فهرست موقت میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

معبد آناهیتا یک بنای تاریخی در شهرستان کنگاور در استان کرمانشاه است که با شهر کرمانشاه ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد. این بنا بر سر راه تاریخی هگمتانه- تیسفون قرار گرفته است. معبد آناهیتا دومین بنای سنگی بزرگ کشور پس از تخت جمشید است. کاربری و حتی دیرینگی دقیق این بنای تاریخی هنوز نامشخص نشده است اما برخی این بنا را یک پرستشگاه دانسته اند و گفته اند که معبدی برای پرستش آناهیتا، فرشته و نگهبان آب و فراوانی و زیبایی و باروری بوده که نزد ایرانیان دارای مقام بلند و ارجمندی بوده است.

